

## بسمه تعالی سیمان وسبد حمایتی

" در حالی که کارخانه در نیمه دوم سال گذشته راه اندازی شده است با این حال در همان مدت باقیمانده از سال و با وجود مشکلات بسیاری که وقوع شان در زمان راه اندازی امری طبیعی است، با این حال موفق شده ایم ۱۲۰ درصد راندمان تولید را به ثبت برسانیم. این در شرایطی است که چند ماهی طول می کشد تا کارخانجات سیمان به ظرفیت اسمی دست پیدا کنند. با این حال و با وجود تولید بالای ظرفیت اسمی محصولی که نیاز جامعه و کشور به آن، مانند آب و نان است، در عملکرد مالی مان زیان به ثبت رسیده و نمی دانم در حالی که انتظار دریافت سود قابل قبول برای سرمایه گذار کم و بیش ۳۰ درصد است جواب سهامداران را در مجمع چه بدهم. سهامدارانی که از سال ۸۱ تاکنون بیش از ۴۰۰ میلیارد ریال در این شرکت سرمایه گذاری کرده اند. اکنون نتیجه چند سال پول گذاشتن و صبرشان را باید با زیان چند میلیارد ریالی جویگو باشیم و البته این در حالی است که طرح به جای ۳۶ ماه در ۳۲ ماه اجرا شده و همه افراد از مدیران و مهندسين گرفته تا کارمندان و کارگران با جان و دل کار کرده اند."

آنچه گفته شد درد دل یکی از مدیران کارخانجات سیمان است که پس از چند سال سرمایه گذاری و وقت گذاشتن برای تولید کالای اساسی مانند سیمان، اکنون مستاصل شده و نمی داند چکار کند؟ آیا استعفا بدهد؟ یا قید تولید را زده و به کاری همچون دلالتی سیمان رو بیاورد که سود آن بسیار بیشتر بوده و البته هیچگونه زحمتی هم ندارد؟ یا نه به همین ترتیب جلو رفته و تولید کند، تا حکایت ضرب المثل " رنج گل بلبل کشید و بوی گل باد برد." به قیمت زیان سهامداران، دلالتان و واسطه ها به سود خوبی دست یابند.

هرچند تا هفته قبل قرار بود قیمت سیمان بعد از چند سال ۲۰ درصد افزایش یابد. افزایشی که در حد پوشش دادن تورم سال جاری کفایت می نمود و نه بیشتر. و نگارنده به استناد این خبر، به او امید داده و دعوت به صبرش می نمود. اما همین افزایش مختصر ناشی نیز با تدبیر وزارت بازرگانی متوقف گردید. تا وضعیت آینده، نه تنها برای سهامداران بلکه برای کارخانجاتی سیمانی همچنان تیره و تار و نامبهم باقی بماند. و همان حرف های همیشگی در میان صنعتگران رواج یابد. حرف های نظیر این که " اگر پولمان را در ساختمان و ملک ریخته بودیم چند برابر سود می کردیم و این همه دردسر نمی کشیدیم و یا این سخن که "سرمایه گذاری در بخش های تولید در این مملکت اشتباه است" و سخنانی از این دست که بارها و بارها از تولید کنندگان مختلف شنیده ایم.

براستی چه کسی باید پاسخگویی این گروه باشد؟ چرا یک تولیدکننده را با اتخاذ سیاست های اشتباه به چنین وضعیتی انداخته و در موقعیتی قرارش می دهیم که نه راه پیش داشته باشد و نه راه پس؟ و از سرمایه گذاری در بخش تولیدی پیشمان شود. چه شده است که عده ای چشم خود را به سودهای چند هزار میلیاردی در بخش دلالتی خرید و فروش سیمان بسته اند؟ چرا در حالی که نرخ اغلب اجناس طی سه چهار سال اخیر چند برابر شده است نگران تاثیر افزایش چند درصدی قیمت سیمان بر تورم هستیم؟ چرا از میان هزاران کالایی که در کشور خرید و فروش می شود باید فقط سیمان که اکثر سهام آن به بخش خصوصی تعلق دارد در سبد حمایتی باقی بماند؟ این چه نوع سبد حمایتی است که باعث نابودی تولیدکننده شده و کالا را به نرخ چند برابر به دست مصرف کننده می رساند؟ چگونه است که به پنج وزارت خانه دولتی که تمام حساب و کتابشان توسط سازمان های ناظر بر آنها بررسی می گردد اجازه داده می شود تا سیمان را که قیمت آن برای تحویل در بنادر ایران کمینه ۹۰ دلار بوده و با احتساب سایر هزینه ها از جمله هزینه های ترخیص، عوارض و حمل و نقل به بیش از یک میلیون ریال می رسد وارد کشور نموده و مصرف کنند. اما به تولید کننده داخلی اجازه نمی دهیم حتی چند درصد سود مورد انتظار سهامدار را ببرد؟ چرا در یک کارخانه سیمان حتی مدیر عامل اجازه ندارد چند تن سیمان را به یکی از کارمندان که برای ساخت خانه نیاز دارد بدهد؟ ولی هزاران تن آن در بازار آزاد پیدا می شود؟ چرا در شرایطی که سود ناشی از دلالتی سیمان بالغ بر ۲۰ هزار میلیارد ریال برآورد می شود اجازه نمی دهیم درصدی از این سود نصیب کارخانجات سیمانی بشود؟ چرا در حالی که در کشور روسیه سیمان به نرخ ۲۰۰ دلار رسیده اما در ایران باید به یک پنجم فروخته شود؟ آیا با این سیاست ها موجب فرار سرمایه از کشور نمی شویم؟ به نظر می رسد به نوعی تناقض در سیاست ها دچار شده ایم. سیاست هایی که نابودی تولید کننده را به دنبال دارد. در چنین شرایطی چگونه می توانیم انتظار داشته باشیم کسی دیگر به دنبال سرمایه گذاری در بخش های تولیدی و ایجاد اشتغال و

ارزآوری برای کشور باشد. بر این اساس ضروری است تا موضوع خارج نمودن سیمان از سبد حمایتی مجددا مورد بررسی قرار گیرد.

**سید علی اصغر علوی**  
**۰۹۱۲۲۱۱۴۳۷۶**